



بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا از همه ي شما برادران و خواهران، بخصوص علمای اعلام و خانواده‌هاي عزيز شهدا و اسرا و مفقودان و جانبازان و همچنين خدمتگزاران به اين عزيزان، که از نقاط مختلف کشور و از سازمانها و دستگاههاي گوناگون تشريف آورده‌ايد، صميمانه تشکر مي‌کنم و اميدوارم اين سازمانهاي امدادگر - مانند هلال احمر و بنياد شهيد - خدمات ارزنده‌ي خود را نسبت به کسانی که در حقيقت گلهاي سر سبد جامعه‌ي ما هستند، به بهترين وجه ادامه بدهند و خاطرهي شهداي گرانقدر را، در فعاليتهاي فرهنگي و هنري و تبليغي حفظ کنند.

امروز، به مناسبت نزديک شدن به شب اربعين حضرت سيدالشهداء (عليه‌الصلاه والسلام) که ارتباط تام و تاممي با همين تلاش با ارزشي که در روزگار ما براي احياي ياد و نام شهيدان انجام مي‌گيرد، دارد، مطالبی را مطرح مي‌کنم. اساسا اهميت اربعين در آن است که در اين روز، با تدبير الهي خاندان پيامبر (ص)، ياد نهضت حسيني براي هميشه جاودانه شد و اين کار پايه‌گذاري گرديد. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلي، در حوادث گوناگون - از قبيل شهادت حسين بن علي (عليه‌الصلاه والسلام) در عاشورا - به حفظ ياد و آثار شهادت کمر نبندند، نسلهاي بعد، از دستاورد شهادت استفاده‌ي زيادي نخواهند برد.

درست است که خدای متعال، شهدا را در همين دنيا هم زنده نگه مي‌دارد و شهيد به طور قهري در تاريخ و ياد مردم ماندگار است؛ اما ابزار طبيعي‌يي که خدای متعال براي اين کار - مثل همه‌ي کارها - قرار داده است، همين چيزي است که در اختيار و اراده‌ي ماست. ما هستيم که با تصميم درست و بجاء، مي‌توانيم ياد شهدا و خاطره و فلسفه‌ي شهادت را احيا کنيم و زنده نگهداريم.

اگر زينب کبري (سلام الله عليها) و امام سجاد (صلوات الله عليه) در طول آن روزهاي اسارت - چه در همان عصر عاشورا در کربلا و چه در روزهاي بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زيارت کربلا و بعد عزيمت به مدينه و سپس در طول سالهاي متمادي که اين بزرگواران زنده ماندند - مجاهدات و تبیین و افشاگري نکرده بودند و حقيقت فلسفه‌ي عاشورا و هدف حسين بن علي و ظلم دشمن را بيان نمي‌کردند، واقعه‌ي عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقي نمي‌ماند.

چرا امام صادق (عليه‌الصلاه والسلام) - طبق روايت - فرمودند که هر کس يك بيت شعر درباره‌ي حادثه‌ي عاشورا بگويد و کسانی را با آن بيت شعر بگرياند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟ چون تمام دستگاههاي تبليغاتي، براي منزوي کردن و در ظلمت نگهداشتن مسأله‌ي عاشورا و کلا مسأله‌ي اهل بيت، تجهيز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضيه چه بود. تبليغ، اين گونه است. آن روزها هم مثل امروز، قدرتهاي ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبليغات دروغ و مغرضانه و شيطنت آميز مي‌کردند. در چنين فضايي، مگر ممکن بود قضيه‌ي عاشورا - که با اين عظمت در بياباني در گوشه‌يي از دنياي اسلام اتفاق افتاده - با اين تپش و نشاط باقي بماند؟ يقينا بدون آن تلاشها، از بين مي‌رفت.

آنچه اين ياد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسين بن علي (عليه‌الصلاه والسلام) بود. به همان اندازه که مجاهدت حسين بن علي (عليه‌الصلاه والسلام) و يارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نيز مجاهدت زينب (عليها‌الصلاه والسلام) و مجاهدت امام سجاد (عليه‌الصلاه والسلام) و بقيه‌ي بزرگواران، دشوار بود. البته صحنه آنها، صحنه‌ي نظامي نبود؛ بلکه تبليغي و فرهنگي بود. ما به اين نکته‌ها بايد توجه کنيم.

درسي که اربعين به ما مي‌دهد، اين است که بايد ياد حقيقت و خاطرهي شهادت را در مقابل طوفان تبليغات دشمن زنده نگهداشت. شما ببينيد از اول انقلاب تا امروز، تبليغات عليه انقلاب و امام و اسلام و اين ملت، چه قدر پرچم بوده است. چه تبليغات و طوفاني که عليه جنگ به راه نيفتاد جنگي که دفاع و حراست از اسلام و ميهن و



حيثيت و شرف مردم بود. ببينيد دشمنان عليه شهدي عزيزي كه جانشان - يعني بزرگترين سرمايه‌شان - را برداشتند و رفتند در راه خدا نثار نمودند، چه كردند و مستقيم و غيرمستقيم، با راديوها و روزنامه‌ها و مجله‌ها و كتابهايي كه منتشر مي‌كردند، در ذهن آدمهاي ساده‌لوح در همه جاي دنيا، چه تلقيني توانستند بكنند. حتي افراد معدودي از آدمهاي ساده‌دل و جاهل و نيز انسانهاي موجه و غير موجهي در كشور خودمان هم، در آن فضاي ملتهب جنگ، گاهي حرفهايي مي‌زدند كه ناشي از ندانستن و عدم احاطه به حقايق بود. همين چيزها بود كه امام عزيز را برمي‌آشفته و وادار مي‌كرد كه با آن فرياد ملكوتي، حقايق را با صراحت بيان كند. اگر در مقابل اين تبليغات، تبليغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهي ملت ايران و گويندگان و نويسندگان و هنرمندان، در خدمت حقيقي كه در اين كشور وجود دارد، قرار نگیرد، دشمن در ميدان تبليغات غالب خواهد شد. ميدان تبليغات، ميدان بسيار عظيم و خطرناكي است. البته، اكثريت قاطع ملت و آحاد مردم ما، به برکت آگاهي ناشي از انقلاب، در مقابل تبليغات دشمن بيمه هستند و مصونيت پيدا کرده‌اند. از بس دشمن دروغ گفت و چيزهايي را كه در مقابل چشم مردم بود، به عكس و واژگون نشان داد و منعكس كرد، اطمینان مردم ما نسبت به گفته‌ها و بافته‌ها و ياوه‌گوييهاي تبليغات جهاني، بكلي سلب شده است.

دستگاه ظالم جبار يزيدي با تبليغات خود، حسين بن علي (ع) را محكوم مي‌ساخت و وانمود مي‌كرد كه حسين بن علي (ع) كسي بود كه بر ضد دستگاه عدل و حكومت اسلامي و براي دنيا قيام کرده است!! بعضي هم، اين تبليغات دروغ را باور مي‌كردند. بعد هم كه حسين بن علي (عليه السلام)، با آن وضع عجيب و با آن شكل فجييع، به وسيله ي دژخيمان در صحراي كربلا به شهادت رسيد، آن را يك غلبه و فتح وانمود مي‌كردند! اما تبليغات صحيح دستگاه امامت، تمام اين بافته‌ها را عوض كرد. حق، اين گونه است. درست است كه ما بلندگوهاي قوي جهاني را كه در اختيار استكبار و رسانه‌هاي صهيونيستي است، با آن عظمت و وسعت در اختيار نداريم و شبكه‌هاي تبليغاتي آنها، بسيار وسيعتر از ماست و ما نسبت به آنها محدود هستيم؛ اما حقانيت ما موجب مي‌شود كه وقتي حرفي از زبان مسؤولان جمهوري اسلامي و ملت ايران صادر بشود، در دلهاي سالم و در سطح جهان، اثر مي‌كند.

اين همه سعي كردند با تبليغاتي كه استكبار جهاني آن را هدايت و برنامه‌ريزي مي‌كرد، وانمود كنند كه ملت ايران در مواجهه با كيد جهاني استكبار شكست خورده است. اين بي‌عقلهاي همسايه‌ي ما در عراق هم باورشان آمد كه واقعا اين گونه است! به همين خاطر، در تبليغات خودشان همواره تکرار كردند و گفتند كه ما پيروز شدیم! سعي كردند چهره‌ي فاتح به خودشان بدهند؛ ولي همهي آدمهاي منصف و سالم دنيا، حقيقت را فهميدند و دريافتند آن كسي كه در اين جنگ پيروز شد، ملت ايران بود و آن كسي كه شكست خورد، رژيم عراق بود.

همه‌ي عقلاي عالم، قضاوت و تشخيصشان در مورد رژيمي كه با هاي و هوي، جمعيتي را براي گرفتن نقطه‌يي و تصرف منطقه‌يي تجهيز مي‌كند، واضح است. فرضا شما خانه‌يي داريد و دزد يا گردن كلفتي، جمعيتي را برمي‌دارد و با هاي و هوي مي‌آيد تا اين خانه را از دست شما خارج كند. به آن جا مي‌آيد و مدتي عربه‌كشي مي‌كند و مدتي متوقف مي‌شود و بعد هم افرادش را از دست مي‌دهد و خسارات زيادي بر او وارد مي‌آيد و زخم مي‌خورد و بعد از گذشت مدتي، ناکام برمي‌گردد و مي‌رود. قضاوت مردم دنيا و عقلا، نسبت به چنين آدمي چيست؟

شكستي بالاتر از اين نيست كه رژيم عراق به قصد تجزيه‌ي ايران - كه صريحا هم آن را گفت - و به قصد ضربه‌زدن به نيروهاي مسلح كردن نظام جمهوري اسلامي - كه اين را در اول كار تبليغاتي خود بيان كرد - و به قصد ضربه‌زدن به نيروهاي مسلح و نابود كردن آنها راه افتاد و تقريبا از تمام دنيا - شرق و غرب و اروپا و امريكا و بعضي از كشورهاي جهان سوم و ارتجاع عرب - كمك مالي و انساني و فكري و تجهيزاتي گرفت و تا نزديك مرزهاي جمهوري اسلامي آمد. مدتي معطل شد، هاي و هوي كرد، عربه‌كشيد، كارهاي خلاف كرد، خودش را بدنام نمود، حيثيت سياسي و اجتماعيش را در دنيا لکه‌دار كرد و آخرش هم دست از پا درازتر برگشت!!

مي‌خواستند جمهوري اسلامي را از بين ببرند؛ اما نظام ما روزه‌روز قويتر شد. مي‌خواستند كشور را تجزيه كنند؛ ولي بحمدالله يکپارچگی کشور در حد اعلي قرار گرفت. مي‌خواستند نيروهاي مسلح ما را از بين ببرند؛ ليکن امروز



نیروهای مسلح ما سازمان یافته و کارآزموده و مجرب و قوی و آماده‌ی دفاعند. می‌خواستند ملت ایران را نسبت به انقلاب و اسلام بدبین کنند؛ اما همه‌ی دنیا شاهدند و می‌بینند که روزبه‌روز ایمان و اخلاص و آمادگی و حضور و رشد و آگاهی این ملت و پایبندی‌شان نسبت به اسلام و انقلاب، بیشتر شده است.

این، شکست بزرگی برای دشمن بود و ملت ایران که با اتکال به خدا و با ایثار و فداکاری ایستاد و مانع از این شد که دشمن به هدفهای شوم خود برسد، پیروز است. پیروزی یعنی همین. این، بزرگترین پیروزی است که انسان بتواند بدون تکیه به دیگران بایستد و دشمن را دفع کند. بحمدالله، این پیروزی برای ملت ایران پیش آمد. ما در آستانه‌ی هفته‌ی جنگ تحمیلی قرار داریم. روزهایی که در پیش است، به یاد سالهای جنگ و آن همه امتحان و ابتلای ملت ایران، برپا می‌شود و باید دایماً این فکر را برای ملت ایران تجدید کند که در جنگ تحمیلی، پیروزی و موفقیت ملت ما، به برکت اتحاد و یکپارچگی و اتکالی به خدا و عدم اتکالی به دیگران و آمادگی برای فداکاری، پیش آمد. ملت ایران، باید این خصوصیات را برای خودشان حفظ کنند تا اگر فکر تجاوز در ذهن کسی و یا متجاوز هم وجود دارد، آن فکر از ذهنهای دشمنان و متجاوزان بکلی رفع بشود.

البته، ما بعد از آن که قطعنامه‌ی 598 را قبول کردیم، پایبندی ما نسبت به مواد این قطعنامه، تاکنون باقی است و باقی خواهد بود. دشمن و رژیم عراق، در اجرای قطعنامه تعلل می‌کنند و متأسفانه فشار لازم از سوی سازمان ملل و دیگر محافل بین‌المللی، بر عراق وارد نیامده است. باید فشار وارد می‌آوردند، باید همان کسانی که این قطعنامه را تصویب کردند و برای اجرائش، آن همه حرف زدند و تبلیغات کردند، عراق را به اجرای آن قطعنامه وادار می‌کردند. رژیم عراق تعلل کرد و تاکنون اولین بند قطعنامه اجرا نشده است. ما مصراً روی این مطلب تکیه و تأکید داریم که باید مواد قطعنامه، یکی پس از دیگری اجرا بشود. این که شعار گفتگو و مذاکره‌ی مستقیم را مطرح می‌کنند، اگر به معنای تعطیل ماندن مواد قطعنامه است، به هیچ وجه مورد قبول نیست. گفتگو و مذاکره‌ی مستقیم خوب است؛ لیکن مواد قطعنامه که تضمین‌کننده‌ی حقوق هر دو کشور است و حق را به حقدار می‌دهد، باید اجرا بشود و ما روی این مسأله تأکید داریم. قدرت ملت ما، پشتوانه‌ی این قضیه است و با جنجال و هیاهو و تبلیغات هم نخواهند توانست ما را از چیزی که بر آن تأکید و پافشاری کردیم، منصرف کنند.

باید مواد قطعنامه اجرا بشود و اولین قدم، عقب‌نشینی دشمن از مرزهایی است که اشغال کرده است. کم یا زیاد آن، مطرح نیست؛ مهم این است که همان مقداری که دشمن اشغال کرده، باید پس دهد. عدم عقب‌نشینی دشمن به مرزهای بین‌المللی، تهدید صلح در منطقه است. این، همان خوی تجاوزگری است که ما چند سال آن را به رژیم عراق نسبت دادیم؛ ولی عده‌ی باور نمی‌کردند؛ لیکن حالا ثابت می‌شود.

وقتی که آتش بس انجام شد، باید نیروها به مرزهای بین‌المللی عقب‌نشینی کنند. آن که عقب‌نشینی نمی‌کند، او متجاوز است. این، اولین قدم است که حتماً باید انجام بگیرد و انجام خواهد گرفت؛ زیرا همه‌ی دنیا می‌دانند که یک ملت انقلابی، تحمل نخواهد کرد که یک وجب از خاک او، دست دشمن باشد.

امیدواریم که خداوند به همه‌ی شما برادران و خواهران، مخصوصاً کسانی که خدمتگزار خانواده‌های عزیز شهدا و اسرا و جانبازان و مفقودان هستند، توفیق بدهد. همان طور که امام و رهبر عظیم‌الشان فقیدمان بارها می‌فرمودند، اینها ولی‌نعمتهای حقیقی ملتند و کسانی هستند که قدرت و صلابت امروز ملت و دولت ایران در دنیا، به برکت فداکاری و ایثار آنهاست. امیدواریم خداوند ملت عزیز و بزرگ ما را به عالیترین آرمانها و آرزوهایش - که پیروزی کامل اسلام و مسلمین است - برساند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته